گزارش خبری

بازشناسی نقش شاهنامه در هویت ملی

افتتاحیه همایش ملی «بازشناسی نقش شاهنامه در هویت ملی» به مناسبت روز بزرگداشت فردوسی و پاسداشت زبان فارسی، صبح دیروز در دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد. در این مراسم که ویژه‌برنامه سالانه گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد برای ارج نهادن به مقام والای فردوسی است و با حضور استادان، شاهنامه‌شناسان، هنرمندان، دانشجویان و مسئولان فرهنگی ملی و استانی برگزار شد، سیدحسن سیدموسوی؛ نماینده رئیس دانشگاه فردوسی، محمد حسین‌زاده؛ مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی، فرزاد قائمی؛ دبیر علمی همایش، علی انیسی؛ معاون پژوهشی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، محمد شالویی؛ رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کشور و مرادجان بوری‌بایوف؛ رئیس مؤسسه فرهنگی اکو درباره جایگاه فرهنگی حکیم توس و اهمیت شاهنامه فردوسی سخنرانی کردند. به گفته فرزاد قائمی، عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد و دبیر علمی همایش «بازشناسی نقش شاهنامه در هویت ملی» ۱۱۰ مقاله علمی پژوهشی با محوریت مطالعات میان‌رشته‌ای درباره حماسه ملی ایران با رویکردهایی از منظر ادبیات، علوم سیاسی و اجتماعی، هنر و... به دبیرخانه همایش رسیده است و مجموعه سه‌جلدی مقالات همایش در تابستان امسال رونمایی می‌شود. گفتنی است بخش علمی همایش «بازشناسی نقش شاهنامه در هویت ملی» ویژه سخنرانی‌های علمی منتخب امروز در دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی برگزار می‌شود.

نمایش خانگی

فصل دوم «سیاوش» ساخته می‌شود

کهندل: صادق یاری، مجری طرح سریال «سیاوش» از ساخت فصل دوم این سریال برای شبکه نمایش خانگی خبر داد. وی گفت: گروه ما به ساخت «سیاوش ۲» فکر می‌کند و قطعاً فصل دوم این سریال را خواهیم ساخت. یاری درباره اینکه آیا فاصله زمانی بین فصل‌های اول و دوم موجب گم کردن قصه اصلی از سوی مخاطبان نمی‌شود، پاسخ داد: ساخت فصل دوم و فصول بعدی یک سریال، کار بسیار سختی است و سریال‌های کمی داریم که به فصول بعدی برسند. ما به این سختی‌ها واقف هستیم و اگر فصل دوم را بسازیم، برای یادآوری مخاطبان «آنچه گذشت» فصل اول را در آغاز آن خواهیم داشت تا یادآور اتفاق‌ها و رخدادهای فصل قبل باشد. او افزود: سعی می‌کنیم ذهن مخاطب را به ماجراهای حال «سیاوش» نزدیک کنیم و خیلی از فضای اصلی قصه دور نشویم.

زندگی شخصی استاد شفیعی کدکنی بر امواج رادیو

برنامه رادیویی «نگین» روز گذشته به زندگی شخصی محمدرضا شفیعی کدکنی، ادیب، نویسنده، پژوهشگر و استاد دانشگاه تهران پرداخت. این برنامه که به معرفی نخبگان، برجستگان و دانشمندان ایرانی می‌پردازد از شنبه تا چهارشنبه، ساعت ۱۴ و ۵۵ دقیقه از رادیو ایران پخش می‌شود.

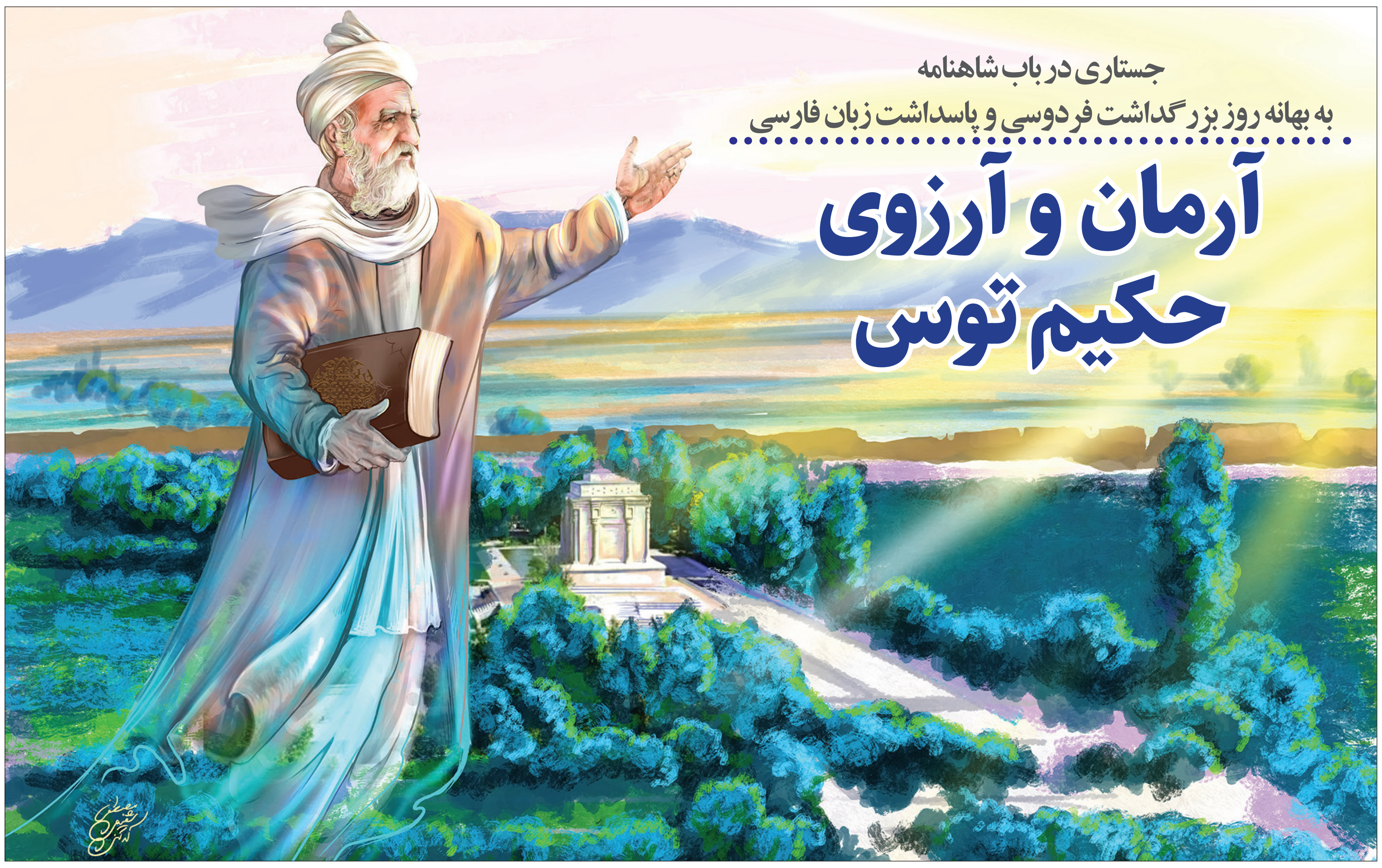

جستاری در باب شاهنامه

به بهانه روز بزرگداشت فردوسی و پاسداشت زبان فارسی

آرمان و آرزوی حکیم توس

مصطفی شفیعی کدکنی - قدس

یوسف بینا بیست‌وپنجم اردیبهشت ماه در تقویم ایرانیان روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی و پاسداشت زبان فارسی است. شاهنامه فردوسی اگرچه سند هویت ملی ما ایرانیان و همه فارسی‌زبانان جهان است و بجاست که هر روز درباره آن بیندیشیم و از آن سخن بگوییم، اما روز بزرگداشت او می‌تواند بهترین بهانه باشد تا در باب حکیم توس باز هم بیشتر سخن بگوییم و درباره شاهکار جاودانه‌اش بازاندیشی کنیم.

■ فردوسی کیست؟

حکیم توس که نام اصلی‌اش «حسن بن منصور»، کنیه‌اش «ابوالقاسم» و تخلص شعری‌اش «فردوسی» است، در سال ۳۲۹ قمری در روستای پاژ از توابع توس به دنیا آمد و پس از حدود هشت دهه زندگی، در حدود سال‌های پس از ۴۱۱ قمری در همین منطقه از دنیا رفت و در خانه‌اش به خاک سپرده شد؛ همین محدوده‌ای که اینک آنجا را به‌نام آرامگاه فردوسی در شهر توس می‌شناسیم.

فردوسی از خاندان دهقان‌های خراسان بود. دهقان‌ها اگرچه زمین‌دار بودند و صنف ویژه‌ای در میان صنوف اجتماعی ایران به شمار می‌آمدند اما نقش فرهنگی مهمی نیز در تاریخ ایران داشتند. دهقان‌ها گروهی از ایرانیان اصیل و فرهیخته بودند و یکی از کارهای اصلی خود را حفظ و گسترش فرهنگ ایرانی می‌دانستند؛ از این رو بخش مهمی از داشته‌های ارزشمند فرهنگی ما که از حوادث روزگار در امان مانده و در میان نسل‌های مختلف اشاعه یافته و اینک در قالب آثار ادبی و تاریخی بدست ما رسیده، مدیون باور، اراده و همت همین دهقان‌هاست.

حکیم توس چنان که از شاهنامه برمی‌آید، نه فقط بهره وافری از دانش و حکمت داشته است، بلکه اندیشمندی بزرگ به شمار می‌آید که سخنان حکیمانه‌اش برآمده از اندیشه‌های ژرف و برگذشته از صافی تجربه حوادث روزگار، بخشی از مهم‌ترین میراث ایرانی در عرصه حکمت و فلسفه نیز می‌تواند باشد. از این دیدگاه، شاهنامه نه فقط یک اثر ادبی و فرهنگی بزرگ، بلکه گنجینه‌ای ارجمند و ارزشمند از اندیشه اصیل ایرانی است که در تاریخ اندیشه بشری جهان نیز جایگاه ویژه‌ای دارد که دریغا ما ایرانی‌ها چنان که باید و شاید به سراغ آن نمی‌رویم و از این دریای حکمت مروارید برنمی‌داریم.

فردوسی عاشق ایران بود و این عشق به فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی را نه در گفتار، بلکه در کردار خویش نشان داد و به تاریخ بشریت ثابت کرد چگونه می‌توان یک‌نفره برای احیا و انتقال یک فرهنگ کهن با چندهزار سال تاریخ عاشقانه کوشید و سند هویت آن را یک‌نفره در قالب زیباترین و باشکوه‌ترین اثر ادبی تدوین و جاودانه کرد. این عشق به ایران و فرهنگ ایرانی، به گواهی تاریخ و نیز طبق متن شاهنامه، با اعتقاد راسخ دینی و مذهبی فردوسی گره خورده و آلیاژی ساخته است که اجزای آن را نمی‌توان از هم جدا کرد. اگر پهلوانان شاهنامه که عزیزترین شخصیت‌های حماسه ملی ایران‌اند، حتی در هنگام مرگ نیز آرزو می‌کنند در خاک ایران و میان مردم ایران و برای ایران جان بسپارند، سراینده شاهنامه نیز در جاهای مختلفی از این روایت بزرگ تصریح می‌کند که باید «به‌نزد نبی و وصی» جای بگیرد و «خاک پای حیدر» است.

وقتی به سرگذشت فردوسی و سرنوشت حماسه ملی ایران می‌نگریم، آن را مصداق تمام و کمال آرمان‌گرایی فردوسی در راه اعتلای فرهنگ ایرانی می‌بینیم. این آرمان‌گرایی بود که حکیم توس را از همه کارهای اقتصادی و اجتماعی دیگرش بازداشت و سبب شد همه دارایی‌هایش و حتی عمر و سلامتی‌اش را در این راه شریف و بزرگ فدا کند و آن گاه که با بی‌مهری حاکمان زمانه نیز روبه‌رو شد، انگار عزم خود را جزم‌تر کرد که بدون هیچ چشمداشتی از هیچ کسی، به‌تنهایی بزرگ‌ترین کار تاریخ ایران را انجام دهد و ایران آرمانی را در بالاترین حد جمال و کمال از نظر ادبی پیش چشم تاریخ بگذارد.

فردوسی در سرآغاز داستان «فرود سیاوش» می‌گوید: «همی خواهم از روشن کردگار / که چندان گذر یابم از روزگار / کز این نامور نامه باستان / به گیتی بمانم یکی داستان / که هر کس که اندر سخن داد داد / ز من جز به نیکی نگیرند یاد / بدان گیتی‌ام نیز خواهشگر است / که با تیغ تیز است و با منبر است / منم بنده اهل بیت نبی / سراینده خاک پای وصی» این بیت‌ها به روشنی نشان می‌دهد فردوسی آرمانی جز اعتلای فرهنگ ایرانی ندارد و آرزویش نیز جز شفاعت حضرت رسول(ص) و اهل بیت(ع) در آخرت نیست.

■ حماسه ملی ایران

شاهنامه فردوسی حدود ۵۰هزار بیت است و سرگذشت ایران از دورترین زمان‌ها تا پایان پادشاهی ساسانیان در قالب ۵۰ داستان به نام ۵۰ پادشاه روایت شده است. اگرچه در سرآغاز هر کدام از این داستان‌ها نام یکی از شاهان را می‌خوانیم، اما در حقیقت شاهنامه داستان شاهان نیست، بلکه داستان مردم ایران است، زیرا مهم‌ترین نماد و نماینده این مردم یعنی پهلوانان شخصیت‌های اصلی و محور داستان‌های حماسه ملی ایران‌اند؛ پهلوانانی که از رستم و گودرز و گیو و بهرام تا بیژن و سهراب و اسفندیار همگی نماد دلاوری و خردمندی و دارای همه خصلت‌های نیک و فضائل مردم‌اند که در قامت انسان اسطوره‌ای تجلی می‌یابند؛ پهلوانانی که همیشه در سوی حقیقت می‌ایستند و حتی وقتی پادشاهان قصوری در حق مردم روا می‌دارند، در میان مردم و به‌نمایندگی از آن‌ها به‌میدان می‌آیند تا همچنان مردمی باشند و مردمی بمانند.

■ شاهنامه شعر است یا اندیشه؟

بعضی‌ها می‌گویند شعر با اندیشه دو ساحت متفاوت است و نمی‌توان برای نمونه در آثار شعری به دنبال اندیشه رفت، اما روشن است که این مدعا درباره آثار مهم تاریخ ادبیات فارسی به‌کلی باطل است. شعر در ایران همواره محمل اندیشه بوده است به ویژه باید گفت شاهکارهای ادبی همچون شاهنامه فردوسی، بوستان سعدی، مثنوی مولوی و آثاری از این دست، فراتر از آن‌اند که فقط ذیل عنوان شعر بگنجند، بلکه هر کدام حاوی بخشی از جریان اندیشه‌ورزی ایرانیان در عرصه‌های گوناگون هستند.

حتی طبق نظر فیلسوفان و نظریه‌پردازان ادبی، ارزش برخی آثار ادبی بسیار بیشتر از فرم‌های رایج ادبی است. اثر هنری با وجود همه تصرفاتی که ممکن است هنرمند در روایت‌ها انجام دهد، حقیقت را می‌نمایاند و از این رو به کمال یا حقیقت نزدیک است. افلاطون ارزش شعر را در حقیقت‌مانندی و به تصویر کشیدن حقیقت می‌دانست و ارسطو نیز برای متن شعری ارزش فلسفی قائل بود و آن را در مقامی والاتر از متن تاریخی قرار می‌داد. در میان متون ادبی، «حماسه» باز جایگاه والاتری دارد. متن حماسی روایتگر رفتار و گفتار انسان‌های بزرگ است و اندیشه متعالی در آن اهمیت دارد.

از سوی دیگر، حماسه‌های ملی به نوعی دربردارنده آرمان‌های ملی هستند و شاهنامه فردوسی نیز از نوع حماسه‌های اساطیری و پهلوانی است که جامع همه ویژگی‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی ایرانیان و بخش مهمی از آن دربردارنده مظاهر تمدن، اخلاق و اندیشه‌های مهم فلسفی ایرانی است. بنابراین اگرچه شاهنامه فردوسی در رده نخست شاهکارهای ادبیات فارسی قرار دارد و نمونه‌ای درخشان از «شعر» است، اما نمی‌توان آن را با نوع شعرهایی که مبتنی بر تشبیه و استعاره تعریف می‌شوند، مثل برخی غزل‌ها یا نمونه‌هایی از شعر معاصر، یکسان دانست؛ بلکه یکی از مهم‌ترین عناصر این روایت مبتنی بر حقیقت، اندیشه‌ای است که در آن جریان دارد و به مخاطب منتقل می‌شود. علاوه بر این نکته، وقتی شاهنامه را می‌خوانیم، می‌بینیم حکیم توس در ابتدا و انتهای هر کدام از داستان‌ها و در جای جای آن‌ها، با یک بیت یا چند بیت به هم پیوسته، روایت داستانی را قطع می‌کند و اندرز حکیمانه یا نکته‌ای اندیشمندانه می‌سراید که بسیار آموزنده و تفکربرانگیز است. شاید همین بیت‌هاست که حکمت ژرف‌نگر فردوسی را نشان می‌دهد و او را در میان همه شاعران دیگر سرآمد می‌کند و شاید به همین دلیل بوده است که نام «حکیم» را بر فردوسی نهاده‌اند و او تنها شاعری است که به تمامی شایسته این نام است.

■ شاهنامه فردوسی؛ از دیروز تا امروز

حماسه ملی ایران از نظر کیفیت و کمیت در سطحی است که شاید خیلی از مردم عادی با آنکه عاشق فردوسی‌اند اما نتوانند چشم‌انداز درستی از مطالعه آن داشته باشند. تاکنون کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری درباره شاهنامه فردوسی نوشته شده و خوشبختانه با وجود بی‌مهری‌هایی که در برهه‌هایی از تاریخ به حکیم توس و شاهکار جاودانه‌اش روا داشته‌اند، امروزه به‌ویژه در سه دهه اخیر رویکردهای اجتماعی به این گنجینه بزرگ فرهنگی بیشتر شده است و هر سال برنامه‌های علمی، فرهنگی و هنری بسیاری برای بزرگداشت و پاسداشت آن تدارک دیده می‌شود. با این حال باید دوباره و چندباره و هزارباره بکوشیم تا همه فارسی‌زبان‌های جهان و به‌ویژه جوانان ایران را به مطالعه متن شاهنامه توجه دهیم. تا روایت ملی ایران را نخوانده باشیم، حتی اگر هزاران برنامه، کتاب و مقاله درباره آن ببینیم و بخوانیم، هرگز نمی‌توانیم عظمت کار فردوسی را درک کنیم.

شاهنامه را می‌توان خواند و از داستان‌های بسیار زیبا و دراماتیک آن لذت برد. شاهنامه را می‌توان خواند و با اسطوره‌های فرهنگ ایرانی آشنا شد. شاهنامه را می‌توان خواند و با تاریخ ایران آشنا شد. شاهنامه را می‌توان خواند و اندیشه‌های فلسفی و حکمت‌آمیز ایران را شناخت. شاهنامه را می‌توان خواند و از فرم ادبی والای حماسه و زبان فاخر فردوسی بهره برد. شاهنامه را می‌توان خواند و درست‌ترین نمونه و بهترین شکل کاربرد زبان فارسی را آموخت. شاهنامه را می‌توان خواند و به دقیق‌ترین گزارش‌ها از احوال مردم ایران زمین در طول تاریخ دست یافت. شاهنامه را می‌توان خواند و فرم‌های هنری ویژه‌ای را برای تولید آثار هنری جدید از آن برگرفت. شاهنامه را می‌توان خواند و هزاران هزاران خوشه از خرمن اندیشه، هنر و فرهنگ فردوسی چید. شاهنامه را می‌توان خواند و باید خواند. بیجا نیست که یکی از فیلسوفان معاصر گفته است شاهنامه یکی از ۱۰کتاب برتر تاریخ بشریت است که هر انسان اندیشمند و فرهیخته‌ای تا پیش از مرگ باید آن را خوانده باشد.

راه مبارزه با خشکسالی، صرفه جوئی در مصرف آب است ...

«آگهی مناقصه عمومی با ارزیابی کیفی»

وزارت نیرو
شرکت آب و فاضلاب مشهد

شرکت آب و فاضلاب مشهد در نظر دارد

با رعایت مفاد آئین نامه معاملات شرکت های آب و فاضلاب شهری و استانی و از طریق مناقصات عمومی عملیات مشروحه ذیل را به پیمانکار ذیصلاح واگذار نماید.

موضوع	مدت اجرا	مبلغ برآورد اولیه به ریال	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال)	رتبه و رشته مورد نیاز	نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار
انجام عملیات پشتیبانی و راهبری جامع خدمات غیر حضوری شرکت آب و فاضلاب مشهد در دفتر مدیریت ارتباط با مشتریان	۳۶ ماه	۱۲۶/۲۶۲/۷۳۳/۶۵۴	۳/۴۶۳/۰۰۰/۰۰۰	گواهی نامه تایید صلاحیت و رتبه بندی شرکت های خدماتی رتبه هفت (۷) رشته خدمات عمومی صادره از وزارت تعاون ، کار ورفاه اجتماعی	۱.واریز نقدی به حساب جاری شماره ۱۰۰۰۵۰۰۰۵ بانك پاسارگاد شعبه آبفای مشهد ۲. ضمانتنامه بانکی ۳.اوراق مالی اسلامی

۱.کارفرما : شرکت آب و فاضلاب مشهد

۲.محل تأمین اعتبار : طرحهای غیرعمرانی.

۳.تاریخ دریافت اسناد ارزیابی کیفی و مناقصه : از تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۲۵ لغایت ۱۴۰۲/۰۲/۳۱ ویا در سایت اینترنتی http://iets.mporg.ir قابل دریافت و در صورت ابهام با تلفن ۰۵۱۳۷۰۰۸۱۲۴ قابل دریافت می باشد .

۴.آخرین مهلت عودت اسناد ارزیابی کیفی و مناقصه تکمیل شده : پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۱۶ می باشد .

۵.محل تسلیم پاکات ارزیابی کیفی و مناقصه تکمیل شده : مشهد ، خیابان فلسطین ، فلسطین ۲۶، دبیرخانه مرکزی شرکت آب و فاضلاب مشهد .

۶.مدت اعتبار پیشنهادات از تاریخ تحویل پاکات پیشنهاد قیمت به مدت سه ماه می باشد .

۷.لازم به توضیح می باشد پاکات ارزیابی کیفی و مناقصه همزمان با هم دریافت و پس از ارزیابی ، پیشنهاد قیمت مناقصه گرانی که امتیاز لازم را اخذ نمایند بازگشایی خواهد شد .

۸.هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.

دفتر روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب مشهد

۴۰۲۰۲۲۴۲

بدون اتلاف
وقت آگهی تون
رو سفارش بدید

فقط لازمه
به‌شماره‌همراه
0902 00 370 88
در یکی از شبکه های اجتماعی
درخواست آگهی تون رو بفرستید.